



مناجات‌ها

الْمُنَاجَاةُ الشَّعْبَانِيَّةُ

مناجات جلیل‌القدر ائمهٔ اهل‌بیت (علیهم‌السلام) – مفاتیح‌الجنان

تهران، شریعتی، ظفر، پ ۸۸
hosseini-eh-kashanifarid.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ

خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را بشنو آنگاه که می‌خوانمت

وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ

و صدایم را بشنو آنگاه که ندایت می‌کنم و به من توجه کن آنگاه که مناجات کنم

فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ، وَوَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِينًا لَكَ

همانا به سوی تو گریختم و در برابرت در حال درماندگی ایستادم

مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ، رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي

زاری‌کنان به‌سویت، امیدوار به پاداشی که نزد توست

وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَتَخْبِرُ حَاجَتِي، وَتَعْرِفُ ضَمِيرِي

آنچه در درون دارم می‌دانی و حاجتم را خبر داری و نهانم را می‌شناسی

وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ

بازگشت به آخرت و خانه ابدی‌ام بر تو پوشیده نیست

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِّئَ بِهِ مِنْ مَنطِقِي، وَأَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي

آنچه می‌خواهم به زبان آرم و خواهش خویش را بازگو کنم

وَأَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي، وَقَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي

و آنچه برای عاقبتم امید دارم، تقدیرت ای آقای من بر من جاری شده است

فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمُرِي مِنْ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي

در آنچه تا پایان عمر از نهان و آشکارم بر من فرود می‌آید

وَيَدِيكَ لَا يَدٍ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَنَقْصِي وَنَفْعِي وَضَرِّي

و تنها به دست توست نه دست غیر تو، فزونی و کاستی و سود و زیانم

إِلَهِي إِنْ حَرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي؟

معبودم اگر محرومم کنی پس کیست آنکه به من روزی دهد؟

وَإِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي؟

و اگر خوارم سازی پس کیست آنکه به من یاری رساند؟

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَحُلُولِ سَخَطِكَ

خدایا به تو پناه می‌آورم از خشم و از فرود آمدن غضبت

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ

خدایا اگر شایسته رحمت نیستم، تو سزاواری که با فراوانی فضلت بر من بخشش کنی

إِلَهِي كَانِي بِنَفْسِي وَاقِفَةً بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظْلَمَ حُسْنُ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

معبودم گویی من در برابرت ایستاده‌ام، درحالی‌که حسن توکلم به تو بر من سایه افکنده

فَقُلْتَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدَتْنِي بِعَفْوِكَ

و آنچه را تو شایسته آتی بر من جاری کرده‌ای و مرا با عفو پوشانده‌ای

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ؟

معبودم اگر گذشت کنی چه کسی از تو سزاوارتر به آن است؟

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي

و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِي

اعترافم به گناه را وسیلهٔ خویش به بارگاهت قرار دادم

إِلَهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

معبودم بر خودم در نگریستن به آن ستم کردم، پس وای بر او اگر نیامرزیش

إِلَهِي لَمْ يَزَلْ بُرْكَ عَلَى أَيَّامِ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

خدایا نیکیات بر من در روزهای زندگیم پیوسته بود، نیکیات را هنگام مرگم قطع مکن

إِلَهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي

معبودم چگونه از حسن توجهت پس از مرگم ناامید شوم؟

وَأَنْتَ لَمْ تُؤَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

درحالی‌که در زندگیم مرا جز به نیکی سرپرستی نکردی

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

خدایا کارم را چنان‌که سزاوار آنی بر عهده گیر

وَعُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ

و با فضلت به‌سوی گناهکاری که جهلش او را فراگرفته بازگردد

إِلَهِي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا

خدایا گناهانی را در دنیا بر من پوشاندی

وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ

و من به پوشاندن آن‌ها در آخرت نیازمندترم

إِلَهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

معبودم به من نیکی کردی چرا که گناهم را نزد بندگان شایسته‌ات آشکار نکردی

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ

پس مرا در قیامت در برابر دیدگان مردم رسوا مکن

إِلَهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

معبودم جود تو آرزویم را گسترد و عفو تو از عملم برتر است

إِلَهِي فَسِّرْنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

معبودم روزی که میان بندگان داورى کنی، مرا به لقایت شاد کن

إِلَهِي اعْتَذِرِي إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ

معبودم عذرخواهی‌ام عذرخواهی کسی است که از پذیرفتن عذرش بی‌نیاز نیست

فَاقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

پس عذرم را بپذیر ای کریم‌ترین کسی که بدکاران از او پوزش خواستند

إِلَهِي لَا تُرِدِّ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبْ طَمَعِي، وَلَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَأَمَلِي

خدایا حاجتم را برمگردان و طمعم را ناامید مساز و امیدم را از خود قطع مکن

إِلَهِي لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِي لَمْ تَهْدِنِي، وَلَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِي لَمْ تُعَافِنِي

معبودم اگر خواری‌ام را می‌خواستی هدایت نمی‌کردی و اگر رسوایی‌ام را می‌خواستی سلامت نمی‌بخشیدی

إِلَهِي مَا أَظُنُّكَ تُرِدُّنِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِي طَلِبِهَا مِنْكَ

معبودم گمان ندارم مرا در حاجتی که عمرم را در پیگیری‌اش گذراندم بازگردانی

إِلَهِي فَلَكَ الْحَمْدُ أَبَدًا أَبَدًا دَائِمًا سَرْمَدًا

معبودم تو را سپاس، سپاسی ابدی و جاودانه و همیشگی

يَزِيدُ وَلَا يَبِيدُ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

سپاسی که افزون شود و نابود نگردد، آن گونه که دوست داری و می پسندی

إِلَهِي إِنْ أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتُكَ بِعَفْوِكَ

خدایا اگر مرا به جرمم بگیری، من نیز تو را به عفو تو می گیرم

وَإِنْ أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتُكَ بِمَغْفِرَتِكَ

و اگر به گناهانم بگیری، تو را به مغفرت تو می گیرم

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ

و اگر مرا وارد دوزخ کنی، به اهل آن آگاهی دهم که تو را دوست دارم

إِلَهِي إِنْ كَانَ صَغُرَ فِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كُبِرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ أَمَلِي

خدایا اگر عملم در برابر طاعتت کوچک بوده، امیدم به تو بزرگ است

إِلَهِي كَيْفَ أَتَقَلَّبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُومًا

معبودم چگونه از بارگاهت با نومیدی و محرومیت بازگردم

وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُومًا

درحالی که خوش گمانی ام به بخشش تو این بود که نجات یافته بازگردانی ام

إِلَهِي وَقَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِي فِي شَرِّ السَّهْوِ عَنْكَ

معبودم عمرم را در آزمندی بی خبری از تو نابود کردم

وَأَبْلَيْتُ شَبَابِي فِي سَكْرَةِ التَّبَاعُدِ مِنْكَ

و جوانی ام را در مستی دوری از تو فرسوده کردم

إِلَهِي فَلَمْ أَتَقِظْ أَيَّامَ اغْتِرَارِي بِكَ

معبودم در روزگار غرورم بیدار نشدم

وَرَكُونِي إِلَى سَبِيلِ سَخَطِكَ

و در آرام گرفتتم به راه خشم تو آگاه نگشتم

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْكَ

معبودم من بنده تو و فرزند بنده توام، در برابرت ایستاده‌ام

مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إِلَيْكَ

به وسیلهٔ بزرگواریات به حضرتت متوسلم

إِلَهِي أَنَا عَبْدٌ أَتَّصِلُ إِلَيْكَ مِمَّا كُنْتُ أُوَاجِهُكَ بِهِ مِنْ قَلَّةِ اسْتِحْيَائِي مِنْ نَظَرِكَ

معبودم بنده‌ای هستم که از کمی حیایم از توجهت به تو بیزاری می‌جویم

وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْكَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتُ لِكَرَمِكَ

و از تو درخواست گذشت می‌کنم زیرا گذشت صفتی درخور کرم توست

إِلَهِي لَمْ يَكُنْ لِي حَوْلٌ فَأَتَّقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ إِلَّا فِي وَقْتٍ أَيْقَظُنِي لِمَحَبَّتِكَ

معبودم توانی برایم نبود که از نافرمانیات دور شوم مگر آنگاه که به محبتت بیدارم کردی

وَكَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَكُونَ كُنْتُ فَشَكَرْتُكَ بِإِدْخَالِي فِي كَرَمِكَ

و آن‌چنان‌که خواستی باشم شدم، پس تو را سپاس گفتم برای واردکردنم در کرم

وَلِتَطْهِّرْ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ

و برای پاک کردن دلم از آلودگی‌های بی‌خبری از تو

إِلَهِي انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ

معبودم بر من نظر کن، نظر به کسی که ندایش کردی و پاسخت داد

وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَأَطَاعَكَ

و به یاریات به کارش گماشتی و از تو اطاعت کرد

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُعْتَرِّ بِهِ

ای نزدیکی که از فریفتگان دور نمی‌شود

وَيَا جَوَادًا لَا يَخْلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

و ای سخاوتمندی که از امیدبستگان به پاداشش دریغ نمی‌کند

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ

معبودم قلبی به من ببخش که اشتیاقش او را به تو نزدیک کند

وَلِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ، وَنَظْرًا يَقْرِبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

و زبانی که صدقش به سویت بالا رود و نگاهی که حقش او را به تو نزدیک کند

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ

معبودم آن که به تو شناخته شد، ناشناخته نیست

وَمَنْ لَا ذِبَّكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُولٍ

و آن که به تو پناه برد خوار نیست و هر که را روی آوری، ملول نیست

إِلَهِي إِنَّ مَنْ اتَّهَجَ بِكَ لِمُسْتَنِيرٍ

معبودم آن که به تو راه جوید روشن است

وَإِنَّ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ، وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

و آن که به تو پناه جوید در پناه توسست و من به تو پناه آوردم ای معبودم

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

پس گمانم را از رحمتت ناامید مکن و از مهربانیات محرومم مساز

إِلَهِي أَقِمْنِي فِي أَهْلِ وَلَايَتِكَ مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ

معبودم مرا در میان اهل ولایت، در جایگاه امیدوار به فزونی محبت بنشان

إِلَهِي وَالْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ

معبودم شیفتگی به ذکر را پیوسته به من الهام کن

وَهَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ

و همتم را در نسیم کامیابی نام‌هایت و جایگاه قدست قرار ده

إِلَهِي بِكَ عَلَيْكَ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ

معبودم به حق خودت بر خودت، مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان

وَالْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

و به جایگاه شایسته بر ساخته از خشنودیات

فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا، وَلَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

زیرا که نه بر دفعی از خود قدرت دارم و نه بر نفع خویش مالکم

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ، وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

معبودم من بنده ناتوان گنه‌کار تو و بردهٔ توبه‌کننده به پیشگاهت هستم

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ

مرا از کسانی که رویت را از آنان برگرداندی قرار مده

وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

و از کسانی که غفلتشان از بخششت محرومشان کرده

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ

معبودم کمال جدایی از مخلوقات را برای رسیدن به خودت به من ارزانی کن

وَأَنْزِلْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ

و دیدگان دل‌هایمان را به پرتو نگاه به‌سوی خویش روشن کن

حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ

تا دیدگان دل پرده‌های نور را دریده و به سرچشمهٔ عظمت برسند

وَتَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ

و جان‌هایمان آویخته به شکوه قدست گردد

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتُهُ فَأَجَابَكَ، وَلَا حَظَّتُهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ

خدایا مرا از کسانی قرار ده که ندایشان کردی و پاسخت دادند و در برابر جلالت مدهوش شدند

فَنَاجِيَّتُهُ سِرًّا وَعَمِلَ لَكَ جَهْرًا

و با آنان راز پنهان گفتم و آنان آشکارا برایت کار کردند

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُتُوطَ الْإِيَّاسِ

معبودم بر خوش‌بینی‌ام ناامیدی و یأس را چیره نساختم

وَلَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

و امیدم از زیبایی کرم‌ت قطع نشد

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

معبودم اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته، به‌خاطر توکلم بر تو از من درگذر

إِلَهِي إِنْ حَطَّتْ الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْنِي الْيَقِينَ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

معبودم اگر گناهان مرا از جایگاه لطفت پایین آورده، یقین به کرم عطوفت هشیارم کرده

إِلَهِي إِنْ أَنَامَتْنِي الْغَفْلَةُ عَنِ الاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ

معبودم اگر غفلت از آماده شدن برای دیدارت به خوابم فرو برده

فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ آلَائِكَ

معرفت به نعمت های کریمانهات مرا بیدار ساخته است

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِكَ

معبودم اگر بزرگی عقابت مرا به آتش فراخواند، ثواب برجستهات مرا به بهشت دعوت کرده

إِلَهِي فَلَكَ أَسْأَلُ وَإِلَيْكَ أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ

معبودم از تو می خواهم و به پیشگاهت زاری کرده و شوق می ورزم

وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی

وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ، وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ

و مرا از کسانی قرار دهی که ذکر تو را همواره بر زبان دارند و پیمان تو را نمی‌شکنند

وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ، وَلَا يَسْتَحِفُّ بِأَمْرِكَ

و از سپاست غافل نمی‌شوند و فرمان تو را سبک نمی‌شمارند

إِلَهِي وَالْحَقْنِي بِنُورِ عِزِّكَ الْآبِهْجَ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفًا

خدایا مرا به نور عزت بسیار زیبایت برسان تا عارف به وجودت گردم

وَعَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفًا، وَمِنْكَ خَائِفًا مُرَاقِبًا

و از غیر تو روی‌گردان شوم و از تو هراسان و مراقب باشم

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای دارای بزرگی و رأفت و محبت

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا و سلام بسیارش بر محمد فرستاده‌اش و خاندان پاکش باد



قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی کرده‌اید، از رحمت خدا نومید نشوید؛ همانا خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.

سورة زمر، آیه ۵۳

خوانندگان گرامی

از همه عزیزانی که این صفحات را می‌خوانند صمیمانه التماس دعا داریم.
خوانندگان را در دعا‌های خیر خود شریک و سهیم بدانید.

انتقاد، پیشنهاد و اصلاح

در صورت مشاهده اشکال در متن یا ترجمه، بازخورد شما را خوشحال می‌شویم دریافت کنیم.



hosseinieh-kashanifarid.ir

